

پژوهشی درباره سید علی خان مدنی و آثار وی

مرتضی رحیمی^۱

چکیده

سید علی خان مدنی از دانشمندان و ادیبان و شعرای شیرازی تبار قرن ۱۱ و ۱۲ هجری و از نوادگان غیاث‌الدین دشتکی به عنوانی چون «ابن معصوم»، «خان» و... معروف است، چهارده سال زندگی وی در حجاز و مراوده‌اش با عالمان آنجا در تسلط او بر علوم عربی، حدیث و... نقش زیادی داشته است. زندگی طولانی وی در هند و نقش مهم عالمان شیعی آنجا و گسترش زبان فارسی در هند از یک طرف باعث شده که سید علی خان از عالمان آنجا تأثیر بگیرد و از طرفی این امر موجب آشنایی وی به زبان فارسی شده است. بازگشت وی از هند به ایران و تدریس در مدرسه منصوریه شیراز در دو سال آخر عمرش و سرانجام تدفین او در حرم حضرت شاه‌چراغ^(ع)، نشان از علاقه وی به زادگاهش دارد و نقش مهم حضرت شاه‌چراغ^(ع) را در گسترش فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد. آثار ارزشمند سید علی خان مدنی همواره مورد توجه دانشمندان اسلامی، به‌ویژه عرب‌زبانان واقع شده است. برخی از آثار وی از منابع مهم ادبی و برخی به‌عنوان تراجم و بیوگرافی مورد استناد فراوان علما قرار گرفته‌اند، سفرنامه علی خان که سفر وی از حجاز به هند را به تصویر کشیده نیز مهم است، کتاب ریاض‌السالکین وی از جمله بهترین شرح‌ها بر صحیفه سجادیه می‌باشد. گرچه وی تألیف فقهی ندارد، اما دیدگاه‌های فقهی خاصی دارد که برخی از آن‌ها در پژوهش حاضر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه: سید علی خان، خاندان دشتکی، آثار، شاه‌چراغ^(ع)

^۱ دانشیار بخش علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز mrahimi@shirazu.ac.ir

پیشگفتار

سید علی‌خان شیرازی بن احمد بن محمد معصوم، معروف به سید علی‌خان کبیر از مشاهیر و مفاخر شیعه و معاصر عصر عثمانی است. حاصل زندگی وی در حجاز، هند و ایران در کنار مسئولیت‌های حکومتی موجب شده که تألیفات ارزشمندی، به‌ویژه در زمینه ادبیات عرب پدید آورد. در برخی از آثارش به نقطه نظرات فقهی خود اشاره نموده و آثار وی مورد توجه زیاد دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن قرار گرفته است. بررسی آن تألیفات به‌عنوان یکی از عالمان مدفون در حرم حضرت شاه‌چراغ^(ع) و به‌عنوان یکی از نوادگان صدرالدین دشتکی حائز اهمیت است. از جمله مشهورترین آثار وی کتاب ریاض السالکین در شرح صحیفه سجادیه می‌باشد. کتاب سلوة الغریب سید علی‌خان نیز به دلیل آن که سفرنامه وی از حجاز به هند بوده و در آن به مشاهدات خود از شهرها و عالمان شهرها اشاره نموده حائز اهمیت است.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که آثار سید علی‌خان در کتب تراجم مورد اشاره قرار گرفته است. آقای محمد رضوی نیز در مقاله «پژوهشی پیرامون مؤلف ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین» که در سال ۱۳۹۱ در شماره ۱۸۴ کتاب ماده دین چاپ شده به آثار سید علی‌خان اشاراتی دارد؛ اما همان‌گونه که حجم شش‌صفحه‌ای مقاله مزبور نشان می‌دهد، در مقاله مزبور به برخی از آثار به‌طور خلاصه اشاراتی شده؛ همچنین به برخی از نقطه نظرات فقهی وی اشاره نکرده است. از این‌رو پژوهش حاضر که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده در پی آن است که به پرسش‌های: دلیل اهمیت آشنایی با آثار سید علی‌خان مدنی چیست؟، آیا سید علی‌خان نقطه نظرات فقهی دارند؟ پاسخ گوید.

خلاصه شرح حال سید علی‌خان مدنی

بر اساس تصریح صاحبان تراجم، همچون شیخ عباس قمی (قمی، بی‌تا: ۲، ۴۱۲ و ۴۱۳)، حسن امین (۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۸) و... در روز شنبه ۱۵ جمادی‌الاول سال ۱۰۵۲ ق (۱۶۴۲ م) سید علی‌خان مدنی در شهر مدینه منوره متولد شده است. میرزا حسن حسینی فسایی که خود از نوادگان سید علی‌خان مدنی است در توضیح محله سرِ دزک شیراز، ضمن بیان نکاتی درباره خاندان دشتکی و اجداد و پدر سید علی‌خان و اشاره به آن که تولد سید علی‌خان در سال ۱۰۵۲ هجری و در مدینه روی داده از وی با عناوین «اعلم علماء مشارق و مغارب، مجتهد بالاستحقاق در جمیع مذاهب، صدر امت باهره، بدر ملت زاهره، حاوی اصول و فروع، حافظ حدود معقول و مشروع، استاد مفسرین، شیخ محدثین» تعبیر کرده و تصریح نموده که لفظ «بی‌غم» تاریخ ولادت ایشان است (حسینی فسایی، ۱۳۶۷ ش: ۲، ۱۰۳۵-۱۰۴۴).

گرچه بیشتر صاحبان تراجم از جمله میرزا حسن فسایی یاد شده محل تولد سید علی‌خان را مدینه منوره دانسته‌اند اما قولی ضعیف (موسوی، ۱۹۴۸ م: ۲، ۲۰۹) تصریح دارد که تولد وی در مکه روی داده است، بدیهی

است که دیدگاه نخست که بیشتر صاحبان تراجم نیز از آن سخن گفته‌اند، درست و مقبول است، زیرا خود سید علی‌خان نیز تصریح نموده که در شهر مدینه متولد شده است (ابن معصوم شیرازی مدنی، ۱۹۸۸ م: ۱۳۷).

در خصوص تاریخ وفات سید علی‌خان دیدگاه‌های چندی وجود دارد، درعین حال همه صاحبان تراجم اشاره نموده‌اند که ایشان در شیراز وفات یافته است. قبر غیاث‌الدین دشتکی جد سید علی‌خان، در مدرسه منصوریه شیراز معروف است، اما بر اساس تصریح برخی (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۹) آرامگاه غیاث‌الدین، حرم مطهر شاه‌چراغ^(ع) بوده و سید علی‌خان در کنار وی مدفون شده است. شیخ عباس قمی نیز به محل دفن سید علی‌خان مدنی در حرم شاه‌چراغ^(ع) و در کنار سید ماجد بحرانی (قمی، ۱۳۶۳ ش: ۲، ۲۴۶) تصریح نموده است. برخی از صاحبان تراجم از وقوع وفات ایشان در سال ۱۱۱۸ هجری سخن گفته‌اند. (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۸ و حسینی فسایی، ۱۳۶۷ ش: ۲، ۱۰۴۶) برخی (قمی، بی‌تا: ۲، ۴۱۲ و ۴۱۳) نیز از تاریخ ۱۱۱۹ هجری سخن به میان آورده‌اند. اسماعیل پاشا (اسماعیل پاشا، بی‌تا، ایضاح: ۱، ۱۴۴) از سال ۱۱۱۷ هجری به‌عنوان تاریخ وفات ایشان سخن به میان آورده است، سال ۱۱۰۴ نیز قول دیگری است که در مورد وفات سید علی‌خان بیان شده است. (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۵۰) اما تصریح سید علی‌خان به این که در سال ۱۱۱۷ وارد اصفهان شده و نیز اشاره شیخ علی‌حزین به این که در اصفهان دو سال او را دیده است (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۵۰) این دیدگاه را مردود و دیدگاه سال ۱۱۲۰ هجری را تقویت می‌کند، تأیید دیگر بر درستی سال ۱۱۲۰ هجری آن که آقابزرگ تهرانی ضمن معرفی نسخه‌ای از کتاب «ترجمه‌الصاحب بن عباد» اشاره کرده که سید علی‌خان مدنی در سال ۱۱۱۷ هجری (سالی که وارد اصفهان شده) بر آن حواشی و یادداشت‌هایی نوشته است (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۴، ۱۴۹) از سویی قول به ذی‌القعدة سال ۱۱۲۰ شهرت بیشتری دارد که بسیاری از صاحبان تراجم (حسینی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۴۱ و ۴۲ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲، ۲۱۲ و ۲۲۴ و امینی، ۱۳۸۵ ق: ۱۱، ۱۶۳) به آن تصریح نموده‌اند. از برخی از ابیات وی که در آن سلطان حسین صفوی را مدح و ثنا گفته و از زیارت قبر امام رضا^(ع) سخن به میان آورده برمی‌آید که وی در سال ۱۱۱۸ هجری وارد خراسان شده است، چه آن که در آن گفته است:

«فَقَدْ أَتَى مَفْصِحًا تَارِيخَ زَوْرِيهِ (نُؤَلُ الرِّضَا) وَهُوَ تَارِيخٌ لَهُ خَطَرٌ» (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۶۸ م: ۱۷۶)

از آنجا که سید علی‌خان در مقدمه کتاب ریاض السالکین (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۴۳) خودش را به‌عنوان «ابن معصوم» تعبیر نموده، به همین سبب به «ابن معصوم» نیز مشهور است، این عنوان از جد اولش محمد معصوم صدرالدین گرفته شده است.

موسوم شدن ایشان به خان از آن روی است که وی پس از فرار یا خروج از حیدرآباد و ورود به برهانپور مورد استقبال و خوش‌آمدگویی اورنگ شاه قرار گرفته و فرماندهی گردانی با هزار و سیصد اسب‌سوار به او سپرده شده، از این روی به خان ملقب گردیده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۹)

سید علی‌خان مدنی شیرازی از نوادگان حکیم معروف غیاث‌الدین منصور دشتکی مؤسس مدرسه معروف منصوریه شیراز و متوفای سال ۹۴۸ هجری است، علاوه بر غیاث‌الدین دشتکی یادشده پانزده نفر از اجداد وی ساکن شیراز بوده‌اند (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۸)، از همین روی است که از وی به عنوان سید علی‌خان مدنی شیرازی تعبیر می‌شود. عنوان «مدنی» مشهورترین عنوان وی است که خودش بیشترین علاقه را به آن داشته و همواره با این عنوان از خودش یاد می‌کرده است. این تعبیر در مقدمه کتاب ریاض السالکین (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۴۳) وی به خوبی مشهود است. همچنین ایشان به عنوان «سید علی‌خان کبیر» نیز معروف و مشهور است.

دشتک نام یکی از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین محله‌های شیراز است که در نزدیکی حرم مطهر حضرت شاه‌چراغ^(ع) قرار دارد و هم‌اکنون مدرسه منصوریه شیراز در آن محله واقع شده است. محله مزبور امروزه بیشتر به «محله لب آب» مشهور است. (کاکایی، ۱۳۷۵، ش ۵ و ۶: ۸۳)

سید علی‌خان از نوادگان امام سجاد^(ع) می‌باشد (کاشف الغطاء، ۱۴۱۵ ق، ۳۵۸ و ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۱، ۱۱) که در خانواده‌ای ارزشمند نشو و نما نموده و آوازه‌اش نقاط مختلف دنیای اسلام، همچون حجاز، عراق، ایران و... را فراگرفته و از همین روی با استناد به آیه «شجره طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (ابراهیم/۲۴) تحسین شده است، وی این‌گونه نسب خود را بیان نموده است: «أنا علی بن أحمد نظام الدین بن محمد معصوم ابن أحمد نظام الدین بن إبراهيم بن سلام الله بن مسعود عمادالدین بن محمد صدرالدین بن منصور غیاث‌الدین بن محمد صدرالدین بن ابراهیم شرف المله بن محمد صدرالدین بن اسحاق عزالدین بن علی ضیاءالدین بن عربشاه فخرالدین بن امیر عز الدین ابی المکارم بن امیری خطیر الدین بن الحسن شرف‌الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العزیزی بن علی ابی سعید النصیبینی بن زید الأعشم ابی ابراهیم بن علی ابی شجاع الزاهد بن محمد ابی جعفر بن علی ابی الحسین بن جعفر ابی عبد الله بن أحمد نصیر الدین السکین النقیب بن جعفر ابی عبد الله الشاعر بن محمد ابی جعفر بن محمد بن زید الشهید بن علی زین العابدین بن الحسین ابی عبد الله سید الشهداء ابن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام» (ابن معصوم شیرازی: ۱۴۰۸ ق: ۸۴ و ۸۵)

صاحبان تراجم از برادران و خواهران سید علی‌خان سخنی به میان نیاورده‌اند، اما برخی از اشعار وی حکایت از آن دارد که وی خواهر و برادری داشته است، زیرا بین وی و برادرش موسوم به محمد یحیی - که شاعر بوده است - نامه‌نگاری روی داده، چه آن که گفته است:

يَحْيَى لَا يَبْرَحُ الْفَضْلُ يَحْيَا وَالْمَعَالَى بِهِ لَهْنٌ اَعْتَلَاءُ
وَالْمَعَالَى بِهِ لَهْنٌ اَعْتَلَاءُ اَحْكَمَ الْوُدُّ مِنْهُ عَقْدَ اِخَائِي

(ابن معصوم شیرازی، ۱۹۸۸ م: ۳۶)

از بیت ذیل نیز استفاده می‌شود که وی خواهری داشته است که در آن گفته است:

أَخْتِيْ إِنَّمَسَّيْتِ رَهْنَ مَقَابِرٍ فَقَلْبِيْ قَدْ أَمْسَى عَلَى حُزْنِهِ وَقَفَا

(ابن معصوم شیرازی، ۱۹۸۸ م: ۳۹۷)

در کتب تراجم از فرزندان سید علی‌خان سخنی به میان نیامده اما میرزا حسن فسایی از وقف مقداری از دارایی سید علی‌خان بر اولادش سخن گفته و اشاره نموده که از جمله فرزندان سید علی‌خان، میرزا مجدالدین محمد است که در سال ۱۱۰۵ هجری در حیدرآباد متولد و در سال ۱۱۱۳ هجری به همراه پدرش به مکه رفته و در سال ۱۱۸۱ هجری در قریه رونیز فسا وفات یافته و همان‌جا مدفون گردیده است، بر قبر وی بقعه وسیعی ساخته شده که تاکنون زیارتگاه اهل آن سامان است، از وی هفت پسر بازمانده که خود وی (میرزا حسن حسینی فسایی) سومین آن‌ها است. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷ ش: ۲، ۱۰۴۵ و ۱۰۴۹) بیت ذیل نیز نشان‌دهنده آن است که وی فرزندی موسوم به ابو اسماعیل ابراهیم بن علی داشته که در سال ۱۱۰۱ هجری فوت نموده و در رثای وی چنین گفته است:

جَارِيَّتِيْ قَبَّلْتِ قَبْلِيْ غَايَةً لِلْحَقِّ لَمْ يَبْلُغْ أَبُوكَ مَدَاهَا
إِنْ كُنْتَ أَحَلَلْتَ الْجَنَانَ مُنْعَمًا فَأَبُوكَ حَلَّ مِنَ الرُّهُمِ لُظَاهَا

(ابن معصوم شیرازی، ۱۹۸۸ م: ۴۷۹ و ۴۸۰)

خاندان سادات دشتکی از قرن پنجم به شیراز آمده و فرزندان ایشان در قرون بعدی، خانواده معروفی را تشکیل داده‌اند (مدرس، ۱۳۶۹ ش: ۴، ۲۵۸)، افراد این خانواده همگی اهل دانش، تألیف و تدریس بوده و در زمان خویش شاخص علم و عرفان بوده‌اند، غیاث‌الدین منصور درباره اجدادش گفته است (دشتکی، بی‌تا: ۱۹۶): «لم يوجد بينه (منظور پدرش) و بين مدينة لا علم و بابه عليهما السلام اب لم يتميز عن ابناء الزمان بمزيد علم و عرفان.» بزرگ‌ترین فرد این سلسله سید علی‌خان مورد اشاره بوده که چنانچه خواهیم دید پس از حدود ۴۸ سال اقامت در مکه، مدینه، هند و... به شیراز آمده و در مدرسه منصوریه به تدریس پرداخته است.

بزرگان خاندان دشتکی پس از غیاث‌الدین منصور در پنج‌خطه می‌زیسته‌اند (فسایی، ۱۳۶۷ ش: ۲، ۱۰۳۸-۱۰۴۲): ۱- برخی در شیراز متوطن بودند یا مانند سید علی‌خان پس از مدتی به شیراز بازگشته بودند. ۲- جماعتی مانند میرزا محمد معصوم دشتکی (جد سید علی‌خان) در مکه اقامت گزیدند. وی در مسجدالحرام، فقه مذاهب پنج‌گانه را علاوه بر کتب تفسیر و کلام، تدریس می‌کرد و نقش عمده‌ای در تقریب مذاهب داشت. ۳- برخی چون نظام‌الدین احمد، فرزند میرزا محمد معصوم به حیدرآباد دکن (هند) رفتند. ۴- عده‌ای از اولاد سید علی‌خان، همچون میرزا حسن حسینی فسایی، صاحب فارسنامه ناصری، به فسا رفتند. ۵- جمعی نیز چون امیر جمال‌الدین دشتکی، عموزاده غیاث‌الدین منصور راهی هرات شده

و در همان‌جا اقامت گزیدند.

ابوسعید نصیبینی اولین فرد از خاندان دشتکی است که به شیراز کوچ نموده و سید محمد معصوم اولین فرد از این خاندان است که از شیراز به مکه هجرت نموده است. (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸)

پدر سید علی‌خان، نظام‌الدین احمد دشتکی شیرازی متولد ۱۰۲۷ هجری در طائف و متوفای صفر سال ۱۰۸۵ هجری نیز از دانشمندان عصر خویش بوده که در هفت‌سالگی قرآن را حفظ و تلاوت نموده و از شرف‌الدین یافعی فقه را فرا گرفته و دارای آثاری از جمله دیوان شعراست (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۹ قسمت اول، ۵۸ و شوکانی، بی‌تا: ۱، ۹۸). بر اساس تصریح سلافه‌العصر، مادر سید علی‌خان نیز دختر شیخ محمد بن احمد منوفی متوفای ۱۰۴۴ هجری امام بزرگ شافعیان حجاز بوده است (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۷). اما افندی به نقل از یکی از دانشمندان گفته که سید علی‌خان درجایی گفته است که: «اما نسبت من از ناحیه مادر، من فرزند قاتنه دختر غیاث الحکماء فرزند صدر الحکماء هستم.» (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۲۴۹)

نظام‌الدین احمد دشتکی شیرازی پدر سید علی‌خان، همراه پدرش در حجاز زندگی کرد و در مکه نزد پدرش تلمذ نمود تا آن‌که در سن بیست‌وهشت سالگی، شاه عبدالله قطب شاه، پادشاه حیدرآباد در سال ۱۰۵۵ او را به هند دعوت نمود، وی به دعوت مزبور پاسخ مثبت داد و راهی هند شد، پس از آن که به هند رسید از ناحیه آن پادشاه امارت یافت. در این هنگام سید علی‌خان دوران کودکی‌اش را در حجاز نزد مادرش سپری می‌نمود و هفت سال داشت. وی در این مدت مورد توجه و عنایت قاضی عبد الجواد منوفی پیشوای مذهب شافعی و امام جماعت مسجدالحرام - که به قولی دایی‌اش محسوب می‌شد - قرار داشت (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۱۲۵) و از نزدیک دانشمندان بزرگی که در مسجدالحرام تدریس می‌کردند یا نماز می‌خواندند، چون شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، قاضی تاج‌الدین احمد و... را مشاهده و سیمای علمی و اجتماعی ایشان را به خاطر می‌سپرد، چون به حدود چهارده سالگی رسید نامه‌ای از پدرش دریافت نمود که از او خواسته بود که به هند رهسپار شود، از همین روی وی در ۲۶ شعبان سال ۱۰۶۶ رهسپار هند شد. سفر به شبه قاره هند سید علی‌خان بیست ماه طول کشید تا آن‌که در روزهای پایانی ربیع‌الاول سال ۱۰۶۸ به حیدرآباد رسید. پدرش مقدم او را گرامی داشت و برای تربیتش به او دستور داد که تنها به محفل علمی پدر بسنده نکند و از محفل علمی دانشمندان بزرگ حیدرآباد، همچون محمد بن علی شامی، شیخ جعفر بن کمال بحرانی بهره جوید. سید علی‌خان در کتاب ارزشمند خود موسوم به «سلوة الغریب و اسوة الادیب» جزئیات سفر خود از حجاز به حیدرآباد را به تصویر کشیده است.

پس از وفات قطب شاه هفتم (سلطان عبدالله)، میرزا ابوالحسن یکی از دامادهای صوفی مسلک وی به پادشاهی رسید و خود را سلطان ابوالحسن قطب شاه هشتم نامید. (امینی، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۷۱ و امین ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۹) وی تلاش کرد که رقبای خود را از میان بردارد، به همین منظور سید علی‌خان و پدرش سید

نظام‌الدین که رهبر بزرگ مذهبی حیدرآباد و داماد قطب شاه هفتم بود را به اقامت اجباری در آنجا داداشت. پدر وی درحالی‌که زیر نظر بود در سال ۱۰۸۶/ ۱۶۷۵ م درگذشت. سید علی‌خان تاریخ وفات پدرش را در قالب اشعار زیر بیان کرده و در آن گفته است (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۹):

حزنت لموتک طیبه و منی و زمزم و الحطیم فلذا اتی ببدیهه تاریخه حزن عظیم

سید علی‌خان چون دریافت که توطئه‌ای در حیدرآباد برای کشتن وی در جریان است، پس از هجده سال اقامت در حیدرآباد از زندان (منزلی که در آن حبس و هرگونه ملاقات با وی منع شده بود) گریخت و به برهانپور رفت، در آنجا در خدمت سلطان اورنگ زیب شاه درآمد و به عنوان «رئیس دیوان دربار شاهی» منصوب شد.

بر اساس تصریح سبحة الرجان (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۷-۹) وقتی که سید علی‌خان دریافت که دشمنان پدرش نیرنگ‌هایی در سر دارند تصمیم گرفت که مخفیانه از حیدرآباد خارج شده و به سوی سلطان محمد اورنگ در برهانپور برود، آن‌ها وی را تعقیب کردند اما به او دست نیافتند. وی در پایان کتاب شرح صمدیه خودش که ازجمله تألیفات وی در دیار هند است به برخی از دشواری‌هایش در هند اشاره نموده و گفته است: «انجام این شرح مبارک با فکر مشوش و زیادی اندوه و فکر صورت گرفت درحالی‌که اکنون من در سرزمینی بسر می‌برم که بازار دانش و جویندگان آن کساد شده و دولت نادانی و احزاب وی سرکار هستند، از همین روی از علم جز نام آن شناخته نمی‌شود و اثری از آن برجای نمانده و اگر ترس از مبالغه نبود می‌گفتم فقط نوشتن کلمه علم باقی مانده است، صبح روز دوشنبه جمادی‌الثانی سال ۱۰۷۹». (ابن معصوم شیرازی، ۱۳۰۵ ق: ۵۸۲)

آنچه در سبب ترک حیدرآباد و رفتن به برهانپور گذشت دیدگاهی است که دانشمندانی چون صاحب روضات الجنات (خوانساری، بی‌تا: ۴، ۳۹۴) به آن تصریح نموده‌اند، اما دیدگاه دیگری (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۷) رفتن به برهانپور را به درخواست اورنگ شاه دانسته است.

اورنگ شاه مقدم سید علی‌خان را گرمی داشت و او را به خان ملقب ساخت و پس از مدتی وی را به حکومت لاهور و مناطق مجاور منصوب نمود، مسئولیت و ریاست دیوان برهانپور نیز ازجمله مناصب وی در این دوره بشمار می‌رود، همراه این مناصب به تألیف و امور پژوهشی نیز اشتغال داشت، تألیف کتب ارزشمند «انوار الربیع فی انواع البدیع» و «ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین» که دوازده سال را مصروف تألیف آن نموده و در سال ۱۱۰۶ هجری به انجام رسیده ازجمله تألیفات سید علی‌خان در برهانپور است.

زمانی که سلطنت سلطان اورنگ به ضعف گرایید، سید علی‌خان، احساس کرد اخلاق شاه غیرقابل تحمل است و قادر به انجام وظایف خود نیست. بنابراین پس از چهل و هشت سال اقامت در هند، تصمیم سفر حجاز گرفت و از سلطان برای انجام فریضه حج اجازه گرفت و در سال ۱۱۱۲ هجری به همراه خانواده‌اش راهی مکه شد و تصمیم به اقامت گرفت. با فرارسیدن موسم حج به انجام فریضه حج پرداخت. پس از آن به قصد زیارت قبر رسول (ص) عازم مدینه منوره شد. وی به بررسی اوضاع این دو شهر پرداخت و احساس کرد همه چیز تغییر کرده و غیبت ۴۸ ساله او سبب شده که هیچ کس را نشناسد. بنابراین عازم عراق شد و بصره و نجف و کربلا و بغداد را زیارت کرد. در آنجا دریافت که عراق محل مناسبی برای تدریس و تألیف نیست، از همین روی تصمیم گرفت به سفر خود ادامه دهد، لذا به شهرهای مهم ایران، همچون خراسان، قم و اصفهان رفت، در سال ۱۱۱۷ هجری به اصفهان وارد شد و کتاب «ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین» خود را به سلطان حسین صفوی هدیه نمود. تصمیم داشت در اصفهان بماند اما با احساس اضطراب از سلطنت شاه سلطان حسین سفارش به سوی شیراز که در آن هنگام از نظر علم و علما شهری آباد بود را ادامه داد و در محله بازار مرغ شیراز ساکن و مدرسه منصوریه را برای محل تدریس و تألیف خویش برگزید و تا پایان عمر در شیراز ماند.

سید علی‌خان علاوه بر تسلط زیاد به زبان عربی - که سکونت چهارده ساله‌اش در حجاز و نیز تألیفات وی آن را تأیید می‌کند - نسبت به زبان فارسی نیز اطلاع و تسلط وسیع داشته است، زیرا چنانچه گذشت وی در عهد اورنگ زیب مناصبی را عهده‌دار بوده از سوئی زبان فارسی، زبان رسمی این دولت بوده است.

سید علی‌خان و اخباری‌ها

گرچه سید علی‌خان و محمدمامین استرآبادی مؤسس اخباری‌ها هر دو در مدینه منوره نشو و نما داشته و هر دو به نوعی از دانشمندان قرن یازدهم و دوازدهم هجری به حساب می‌آیند، اما شواهدی تأیید می‌کند که سخن گفتن از اخباری بودن یا اخباری نبودن سید علی‌خان بی‌معناست، زیرا چنانچه تألیفات وی نشان می‌دهد بیشتر به‌عنوان دانشمند ادیب و شاعر معروف است نه فقیه و اصولی، بدیهی است که اختلاف دانشمندان اخباری و اصولی در فقها تجلی و نمود یافته نه در دیگر دانشمندان اسلامی، از همین روی است که حر عاملی م ۱۱۰۴ هجری که خود دانشمندی اخباری است - درباره وی گفته است: «سید بزرگوار علی بن میرزا احمد بن محمد معصوم حسینی از دانشمندان عصر، عالمی فاضل و ماهر و ادیب و شاعر است. « (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۲، ۱۷۴) در جای دیگری درباره سید علی‌خان گفته شده: «صدرالدین سید نجیب و گوهر شگفت‌انگیز، عالم فاضل ماهر ادیب و منشی کاتب» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲، ۸۲ و قمی، بی‌تا: ۲، ۴۱۲-۴۱۳) در عین حال باید پذیرفت که برخی از آثار سید علی‌خان چنانچه خواهیم دید نشان می‌دهند که وی از شیخ بهایی که دانشمندی اصولی است تأثیر پذیرفته است، اما این تأثیرپذیری بیشتر در آثار ادبی و حدیثی نمود

می‌یابد، همچنین وی در آثار غیر فقهی‌اش برخی از دیدگاه‌های فقهی خودش را بیان داشته است.

تأثیر پذیری سید علی‌خان از شیخ بهایی

سید علی‌خان از شخصیت شیخ بهایی که از دانشمندان بزرگ عصر صفوی م ۱۰۳۰ هجری است تأثیر پذیرفته است، سخن وی در مقدمه یکی از شرح‌هایش بر صمدیه شیخ بهایی از جمله دلایل تأثیرپذیری وی از شیخ بهایی است که از وی به‌عنوان استاد و پیشوا و... تعبیر نموده و گفته است: «شیخنا الامام العلامة و الهمام و الهمام القدوة الفهامة، سید العلماء المحققین و سند العظماء المدققین، نادره دهره و زمانه، باقعه عصره و و اوانه، ملاذ المجتهدین و شرفهم، بحر اولی الیقین و معترفهم، شیخنا و مولانا بهاء الدین العالمی سقی الله ثراه و جعل بحبوبة الفردوس مثواه.» (ابن معصوم شیرازی، ۱۳۰۵ ق: ۳) و در جای دیگر گفته است: «علم الأئمة الأعلام و سید علماء الإسلام و بحر العلم المتلاطمة بالفضائل أمواجه و فحل الفضل النابحة لديه أفراده و أزواجه و طود المعارف الراسخ و فضاؤها الذی لا تحد له فراسخ و جوادها الذی لا یؤمل له لحاق و بدرها الذی لا یعتريه محاق، الرحلة التي ضربت إليه أكباد الإبل و القبلة التي فطر كل قلب على حبها و جبل. هو علامة البشر و مجدد دين الأمة على رأس القرن الحادی عشر، إليه انتهت رئاسة المذهب و الملة و به قامت قواطع البراهین و الأدلة، جمع فنون العلم فانعقد عليه الإجماع و تفرّد بصنوف الفضل، فبهر النواظر و الأسماع، فما من فنٍ إلا و له فيه القدح المعلى و المورد العذب المحلى، إن قال لم يدع قولاً لقائل، أو أطال لم یأت غیره بطائل.» (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۲۰)

از جمله مواردی که تأثیر شیخ بهایی در سید علی‌خان را نشان می‌دهد آن است که وی در تألیف برخی از آثارش از شیخ بهایی تقلید نموده است، چنانچه کتاب «المخلاة» خود را همانند و هم نام با «المخلاة» شیخ بهایی تألیف نموده است، گرچه «المخلاة» سید علی‌خان به‌عنوان «کشکول» نیز موسوم و معروف است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۴، ۲۵ و ۷۸، ۱۸ و ۲۰، ۲۳۲) باز از جهت دیگری شباهت و تقلید انکارناپذیر است، زیرا با کتاب «کشکول» شیخ بهایی هم نام و همسان است. همچنین تألیف کتاب «التذكرة فی الفوائد النادرة» سید علی‌خان به شرط آن که همان کتاب «المخلاة» وی باشد، همسان کتاب کشکول شیخ بهایی انجام شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ص ۴ و ۲۵) اما چنانچه خواهیم دید، کتاب «التذکره فی الفوائد النادر» سید علی‌خان با کتاب «المخلاة» وی متفاوت است.

از جمله مواردی که تأثیرپذیری سید علی‌خان از شیخ بهایی را تقویت می‌کند آن است که شیخ بهایی کتابی موسوم به «سلوة الغریب و خلوة الحیب» دارد (اسماعیل پاشا، ایضاح، بی‌تا: ۲، ۲۵) سید علی‌خان نیز کتابی موسوم به «سلوة الغریب و اسوة الادیب» دارد.

از جمله دلایل تأثیرگذاری شخصیت شیخ بهایی در سید علی‌خان آن است که سید علی‌خان سه شرح بزرگ و متوسط و کوچک بر صمدیه شیخ بهایی دارد.

شرح ارزشمند سید علی‌خان بر کتاب صحیفه سجاده امام سجاد^(ع) نیز به‌نوعی تأثیر شخصیت شیخ بهایی بر سید علی‌خان را نشان می‌دهد، زیرا این شرح همانند شرح شیخ بهایی بر صحیفه سجاده است که موسوم به «حدائق الصالحین» هست، چه آن‌که شرح شیخ بهایی کامل نیست و نسبت به ادعیه خاص انجام شده است و در مقدار موجود این شرح، شرح دعاء عند رؤیة الهلال، به رساله یا الحدیقه الهلالیه موسوم شده، در شرح سید علی‌خان نیز هر روضه‌ای از آن نام خاص و خطبه مستقل دارد، از طرفی سید علی‌خان در شرح خویش بر صحیفه سجاده اقوال و دیدگاه‌های سایر شارحین و حاشیه نویسان را آورده و بر دیدگاه شیخ بهایی تعصب نشان داده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۲۰)

اساتید سید علی‌خان شیرازی

با توجه به آن‌که سید علی‌خان در مناطق مختلف دنیای اسلام همچون حجاز، شبه‌قاره هندو... زندگی کرده و پای نهاده، بدیهی است که با دانشمندان و شخصیت‌های گوناگونی ارتباط داشته که برخی از آن‌ها استاد وی به حساب می‌آیند، چنانچه گذشت وی در دوران کودکی‌اش تا سن چهارده‌سالگی در مکه تحصیل علم نموده است اما صاحبان تراجم از اساتید وی در این مدت نام نبرده‌اند مگر تعدادی اندک. (امین، ۱۴۰۶ ق: ۷، ۱۸۹) در این مدت با دانشمندانی برخورد داشته که می‌توان آن‌ها را از اساتید وی بشمار آورد از جمله:

- ۱- محمدباقر خراسانی: سید علی‌خان از وی به‌عنوان «احد المجتهدين فی علوم الدين و غيرها من فنون العلم» تعبیر نموده است (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۴۹۱)
- ۲- زین‌الدین بن محمدحسن بن زیدالدین الشامی عاملی ۱۰۶۲ م: وی از دانشمندان و شعرای حجاز بوده و سید علی‌خان از علم و دانش او تمجید نموده و اشاره کرده که وی را در مکه دیده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۳۰۸)
- ۳- علی بن حسن شامی عاملی: سید علی‌خان او را در مکه دیده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۳۰۸)
- ۴- شیخ عبدالله باقشیر مکی: که بارها در حلقه درس وی در مسجدالحرام شرکت و از وی بهره برده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۲۱۷)
- ۵- شیخ محمد بن احمد منوفی متوفای ۱۰۴۴ هجری امام بزرگ شافعیان حجاز بوده است.

برخی از اساتید سید علی‌خان مربوط به زمانی است که وی به شبه‌قاره هند هجرت و در

آنجا ساکن شده است، از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۶- سید نظام‌الدین احمد: پدر سید علی‌خان که در مدت اقامت وی در حیدرآباد نزد وی تلمذ نموده و پس از آن به امر پدر نزد دیگر دانشمندان آن دیار شاگردی نموده است، سید علی‌خان به شاگردی نزد پدرش تصریح نموده آنجا که درباره وی گفته است: «شیخی الافضل و استاذی الاكمل، مجمع الفضائل و الاداب و مرجع الافاضل فی كل باب.» (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۰۶ م: ۷، ۱۸۹ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۹)

۷- محمد بن علی بن محمود شامی عاملی مشهور به حشری متوفای سال هزار و نود و اندی (امین، ۱۴۰۶ ق: ۴، ۱۳۶ و محیی، ۱۲۸۴ ق: ۴، ۶۵): وی از اساتید سید علی‌خان در حیدرآباد و از شاگردان پدرش در آنجا است. (امین، ۱۴۰۸ ق: ۱۹۱/۷) سید علی‌خان نزد وی فقه، نحو، علم بیان، حساب و فنون نظم و نثر ادبی را فرا گرفته است. وی بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرهنگی سید علی‌خان داشته است.

۸- شیخ جعفر بن کمال‌الدین بحرانی: سید علی‌خان از وی به‌عنوان «شیخنا»، «الشیخ»، «شیخنا العلامه»، «شیخی الجلیل الفاضل»، «مجمع الفضائل و الاداب»، «استاذی الاكمل» و «مرجع الفضائل فی كل باب» تعبیر نموده و او را مدح و ثنا گفته و از پیشوایان فاضل برشمرده است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۰۸ ق: ۲۲۴ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۸۹)

۹- شیخ علی بن فخر‌الدین محمد بن اشیخ حسن صاحب معالم متوفای سال ۱۱۰۴: از ایشان روایت نموده است. (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۰)

۱۰- سید امیر محمدحسین بن امیرمحمد صالح خاتون‌آبادی متوفای سال ۱۱۵۱، سید علی‌خان از وی روایت نموده است. (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۰)

۱۱- شیخ باقر بن مولی محمدحسین مکی: از جمله کسانی است که سید علی‌خان از وی روایت نموده است. (امین، ۱۴۰۸ ق: ۱، ۱۹۰ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۲۴۹) این امر در اجازه کبیر جزایری مورد اشاره قرار گرفته است.

بین سید علی‌خان و ضیاء‌الدین یوسف بن یحیی حسنی صنعانی متولد سال ۱۰۷۸ هجری و متوفای سال ۱۱۲۱ هجری که به شهرهای مختلف سفر و با دانشمندان عجم هم‌نشینی می‌نموده مکاتباتی گزارش شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱، ۴۵۲)

سید امیرمحمد حسین بن امیر صالح خاتون‌آبادی م ۱۱۵۱ هجری و شیخ باقر بن محمدحسین مکی از وی روایت کرده‌اند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۱، ۳۴۹)

برخی از آراء فقهی سید علی خان

هرچند که سید علی خان، چنانچه آثارش نشان می‌دهد، به‌عنوان ادیب و شاعر معروف است و وی تألیف فقهی ندارد، درعین حال توانایی و آگاهی‌های فقهی وی انکارناپذیر است، زیرا وی از یک‌سو به آراء فقهی دانشمندان فقهی، چون شیخ طوسی (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۱۲۷) و شهید (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۲۶۴) استناد نموده و از آن‌ها برای تشریح دیدگاه خود بهره برده و از طرفی دیدگاه‌های فقهی مخصوص خود دارد، از سویی به دیدگاه‌های اصولی دانشمندان نیز استناد نموده است، چنانچه از دیدگاه شیخ بهایی در خصوص حقیقت شرعیه بهره گرفته است. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۲۶۹) هم‌چنین وی بدعت را بر اساس احکام خمسہ تکلیفی به حرام، واجب، مکروه، مستحب و مباح تقسیم نموده و با استناد به سخن شهید، تنها نوع حرام آن را مردود دانسته و در خصوص نوع واجب آن به مواردی چون حفظ قرآن استناد نموده است.

از جمله آراء فقهی وی آن‌که در بحث کفایی یا عینی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر این باور است که چنانچه فرد مطلع بر ترک معروف و انجام منکر یک نفر باشد، امر به معروف و نهی از منکر در مورد وی واجب عینی است و چنانچه آگاهان به انجام معروف و ترک منکر چند نفر باشند، امر به معروف و نهی از منکر بر ایشان واجب کفایی است (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۲۶۷)، درحالی‌که برخی از فقها به‌طور مطلق از وجوب عینی و برخی از وجوب کفایی امر به معروف سخن گفته و برخی بر نزاع یادشده ثمره‌ای مترتب ندانسته‌اند. هم‌چنین در خصوص شرایط امر به معروف و نهی از منکر وی در مورد شرط احتمال تأثیر بر این باور است که در صورت علم آمر و ناهی به عدم تأثیر، تنها وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می‌شود اما جواز آن به‌جای خود باقی است، یعنی در این صورت امر به معروف و نهی از منکر حرام نیست، و در خصوص شرط امن از ضرر مالی یا جانی یا آبرویی بر آمر و ناهی و مؤمنان، وی علم به ضرر را شرط ندانسته و بر این باور است که ظن به ضرر نیز موجب سقوط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، هم‌چنین وی شرط عدالت را برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر قبول ندارد، یعنی از دیدگاه وی حتی اگر خود فرد، کار خوب را ترک کند و کار منکر را انجام دهد، باز امر به دیگران برای انجام آن کار خوب و نهی ایشان برای ترک آن کار بد بر وی واجب است. هم‌چنین وی مکلف بودن مأمور و منتهی را برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرط ندانسته، از این‌رو امر به معروف و نهی از منکر را در مورد کودک نیز واجب دانسته است تا آن‌که کودک نسبت به انجام منکر و ترک معروف عادت نکند و انجام معروف و ترک منکر تمیزی برای وی باشد که در هنگام تکلیف به آن پای بند گردد.

وی در خصوص مراتب امر به معروف و نهی از منکر نیز برخلاف شیخ بهایی، اطلاق امر به معروف و نهی از منکر بر مرتبه قلبی و زبانی را مجاز می‌داند نه حقیقت. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۲۶۷)

آثار سید علی‌خان مدنی

از سید علی‌خان شیرازی مدنی آثار ارزشمندی گزارش شده، برخی از این آثار از بین رفته و برخی از آنها موجود و یا به چاپ رسیده‌اند، آثار وی به شکل ذیل مورداشاره قرار می‌گیرند:

۱- *أنوار الربيع في أنواع البديع* (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۲، ۴۲۶ و کنتوری، ۱۴۰۹ ق: ۶۷ و اسماعیل پاشا، بی تا ایضاح: ۱، ۱۴۴ و اسماعیل پاشا، بی تا هدیه: ۱، ۷۶۲ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۶ و کحاله، بی تا: ۷، ۲۸):

بهترین کتاب درباره علم بدیع است که همانند ندارد، شرح بدیعی‌ای است که در طی دوازده شب در ۱۴۷ بیت آن را به نظم آورده و دو بیت درباره دو نوع بدیع به آن افزوده است، مثل بدیعی‌ای است که صفی‌الدین حلی متولد سال ۶۷۷ هجری و متوفای ۷۵۰ هجری با نام «*الكافية البديعية في مدح خير البرية*» نگاشته است، آغاز شرح چنین است: «*الحمد لله بديع السماوات والأرض والصلاة على نبيه وآله الهادين إلى السنة والفرص*». این کتاب در سال ۱۰۹۳ به انجام رسیده است. کتاب یادشده در سال ۱۹۶۸ م در هفت جلد با تحقیق شاکر هادی شکر در عراق توسط چاپخانه نعمان به چاپ رسیده است. اولین بار در سال ۱۴۰۳ هجری در ایران چاپ سنگی شده است.

سید علی‌خان در آغاز کتاب یادشده اشاره نموده که صفی‌الدین حلی مبتکر به نظم کشیدن انواع بدیع نیست، بلکه پیش از وی امین‌الدین علی بن عثمان بن علی بن سلیمان اربلی شاعر صوفی متوفای سال ۶۷۰ هجری به این کار دست زده و بدیعیه مشروح خودش (سید علی‌خان) سومین کاری است که در این زمینه وجود دارد. مؤلف در این کتاب بین بدیعیه خودش و دیگر شعرای پیش از خویش، همچون صفی حلی، ابن جابر اندلسی، عزالدین موصلی، ابن حجه حموی، عبدالقادر طبری، شرف‌الدین مقری و دیگران مقایسه‌ای صورت داده و در خلال آن از بیش از دوازده هزار بیت به‌عنوان شاهد بهره گرفته که حاوی نکات تاریخی، مسائل فقهی و نکات جالب ادبی می‌باشند. از این کتاب بانام «*شرح بديعية السيد علي خان*» نیز تعبیر و یاد شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۲، ۱۲۵)

۲- *احوال الصحابة و التابعين و العلماء*: (امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳) این کتاب کامل نیست، یک جلد آن درباره برخی از احوال صحابه انجام شده و درعین حال از بین رفته است.

۳- *التذكرة في الفوائد النادرة*: (امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۴، ۲۵ و ۲۰، ۲۲۳ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸)

شیخ یوسف بحرانی در اوایل کتابش موسوم به کشکول از این کتاب با عنوان «*التذكرة*» نقل نموده و از دیدگاه صاحب روضات، این کتاب با کتاب دیگر سید علی‌خان که به «*المخلدة*» موسوم بوده و همانند

کتاب کشکول می‌باشد متفاوت است. آقابزرگ تهرانی نیز دیدگاه یادشده را تقویت کرده است، خود سید علی‌خان هم در مواردی از این کتاب با عنوان «التذکره...» تعبیر نموده است، بر اساس تصریح شیخ یوسف بحرانی در کتاب کشکول خود آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذی اکمل بنیة أحمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدرالدین»

این کتاب با پنج حدیث که از طریق هفده نفر از پدران سلسله‌وار ذکر شده همراه با شرح و توضیح آغاز گردیده و اشاره شده که این شرح در شب روز شنبه پنج روز به ربیع‌الاول سال ۱۱۰۹ هجری باقی مانده انجام یافته است. این کتاب از بین رفته و نسخه‌ای از آن موجود نیست.

۴- الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة: (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۶، ۲۹۰ و امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۲۵۳ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۰ و اسماعیل پاشا، بی‌تا ایضاح: ۱، ۲۹۵ و اسماعیل پاشا، بی‌تا هدیه: ۱، ۷۶۲ و کحاله، بی‌تا: ۷، ۲۸ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۷)

اصل کتاب الفوائد الصمدیه از شیخ بهایی و درباره علم نحو بوده و بسیار مورد استفاده است و به همین دلیل شروح زیادی دارد، شیخ بهایی این کتاب را به نام برادرش عبد الصمد نگاشته است، سید علی‌خان سه شرح کبیر، متوسط و صغیر بر این کتاب دارد، کتاب «الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة» به شرح کبیر نیز معروف و مشهور است، آغاز آن چنین است: «الحمد لله الصمد بما له من المحامد الابدیة» کتاب یادشده در صبح روز دوشنبه ۱۲ جمادی‌الثانی سال ۱۰۷۹ انجام یافته است. شرح یادشده در سال ۱۳۰۵ ق در تبریز به چاپ سنگی رسیده و در سال ۱۳۸۸ ش در قم چاپ سریبی شده است.

یکی از شروح سید علی‌خان مدنی بر کتاب صمدیه با نام «الکلام المدرس و المستفید» در نجف اشرف و ایران به چاپ رسیده است. (حسینی جلالی، ۱۴۲۲ ق: ۲، ۶۲۱ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۲، ۳۶۲) شرح متوسط سید علی‌خان بر کتاب صمدیه از بین رفته است.

۵- حدیقة العلم: (عبد الجبار ۱۹۸۱ م: ۱، ۲۴۵ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ والیاس سرکیس، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۲۴۵)

این کتاب در سال ۱۲۲۶ هجری در حیدرآباد به چاپ رسیده است.

۶- الدرجات الرفیعة فی طبقات الامامیة من الشیعة: (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۸، ۶۰ و ۱۴۷)

آقابزرگ تهرانی نسخه‌ای از این کتاب را معرفی نموده است، کتاب یادشده بر دوازده طبقه ترتیب یافته است: طبقه اول درباره صحابه، طبقه دوم درباره تابعین، طبقه سوم درباره محدثینی که از ائمه^(ع) روایت نموده‌اند، طبقه چهارم درباره علمای دین غیر از محدثین، مفسرین و فقها، طبقه پنجم درباره حکما و متکلمین، طبقه ششم درباره علمای عرب، طبقه هفتم درباره بزرگان صوفیه، طبقه هشتم درباره ملوک و سلاطین، طبقه نهم درباره امراء، طبقه دهم درباره نوادر، طبقه یازدهم درباره شعرا و طبقه دوازدهم درباره

زنان، آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذي جعل لعباده المؤمنين لسان صدق في الاخيرين.»

کتاب مزبور با اهتمام و مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم در قم و نجف به چاپ رسیده است، از این کتاب با عنوان «طبقات الامامية و الشيعة» نیز تعبیر شده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۵، ۱۴۷ و ۱۵۱)

۷- دیوان اشعار: (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۱، ۳۴۸ و ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۷ و امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳)

دیوان سید علی‌خان در سال ۱۹۸۸ م با تحقیق شاکر هادی شکر در بیروت به چاپ رسیده است، وی از زمان کودکی اقدام به سرودن اشعار نموده است و اشعار زیادی دارد که در دیوان وی به چشم نمی‌خورند، از جمله آن اشعار می‌توان به تخمیس میمیه شرف الدین بوصیری مشهور به البرده اشاره نمود. نسخی از این دیوان در عراق موجود است.

۸- رساله نفثة المصدور: (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و ابن معصوم شیرازی، ۱۹۶۸ م: ۲، ۳۴۳)

محتوای این رساله مشخص نیست و از بین رفته اما مؤلف در کتاب «انوار الربيع» خود از آن سخن به میان آورده و گفته است: «من برای هر که از زمان و فرزندان زمان بدگویی کند فصلی در نفثة المصدور قرار دادم و در آن نثر و نظم که موجب شفای سینه‌ها می‌شود را بیان داشتم.»

۹- رساله فی فن المعمی: (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۶۸ م: ۱، ۱۷۵)

سید علی‌خان در انوار الربيع خود به آن اشاره نموده و گفته است: «وقد ذكرت جملة مقنعة فی مستحسنتات التصحيف فی الرسالة التي ألفتها فی المعمی، فمن أراد ذلك فعليه به.»

۱۰- رساله فی المسلسلة للأباء: (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱)

سید علی‌خان این رساله را در سال ۱۱۰۹ هجری به انجام رسانده و آن را با پنج حدیث که سلسله وار از طریق پدرانش نقل نموده آغاز کرده است.

۱۱- رساله أعالیط الفيروز آبادی فی القاموس: (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸ و خوانساری، بی‌تا: ۴، ۳۷۹ و امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳)

صاحب ریاض از این رساله تمجید و تعریف نموده است. (امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳) سید مرتضی در تاج العروس از این رساله نکاتی را نقل نموده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲، ۲۵۳)

۱۲- ریاض السالکین فی شرح صحیفة الساجدین: (امین، ۱۴۰۶ ق: ۱، ۶۳۸ و آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۱، ۳۲۵)

صحیفة سجادیه به دلیل اهمیتی که دارد مورد توجه بسیاری از دانشمندان قرار گرفته و بر آن شروح و حواشی گوناگون زده شده است، آقابزرگ تهرانی ۴۷ شرح بر این کتاب را معرفی و برشمرده است،

بهترین این شروح، شرح سید علی‌خان مدنی است که به تصریح محسن امین نظیر ندارد، همچنین به تصریح افندی از دانشمندان عصر صفوی، این شرح بهترین و طولانی‌ترین شرح است که سید علی‌خان آن را به اسم سلطان حسین صفوی پادشاه معاصر ما نموده است. (افندی، ۱۴۰۱ ق: ۲، ۲۶۶) وی در هنگام ورود به اصفهان آن را به سلطان مزبور تقدیم نموده است.

در این کتاب، شرح هریک از دعاهای صحیفه سجادیه با دیباچه و خطبه‌ای جداگانه همراه شده است، اقوال و دیدگاه دیگر شارحان صحیفه نیز مدنظر قرار گرفته و نسبت به شرح شیخ بهایی تعصب خاصی نشان داده شده است.

سید علی‌خان برای تألیف این کتاب ارزشمند دوازده سال وقت اختصاص داده، چه آن‌که این شرح در سال ۱۰۹۴ هجری شروع و در سال ۱۱۱۶ هجری به انجام رسیده است، این شرح بر ۴۵ روضه ترتیب یافته است، یعنی شرح هر دعایی در یک روضه صورت گرفته است، در این شرح هریک از دعاها به‌طور کامل بیان شده و پس از تقطیع قسمت‌های مختلف هر دعا، مفردات هر قسمت توضیح داده شده و سپس در قالب «تنبیه» و «تبصره» برخی نکات، به تناسب مورد اشاره قرار گرفته است. تسلط و تبحر مؤلف در علوم و فنون مختلف، در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورد. از بحث «مراتب توحید» گرفته (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۳۲۳) تا مباحثی همچون «اشتقاق لفظ ملائکه» (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۳۵۱) و «تحقیق در جواب لو» (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۳۸۲)، همگی تبحر مؤلف در مجموعه‌ی علوم اسلامی را نشان می‌دهند.

مولی محمدحسین بن مولی محمدحسن گیلانی اصفهانی در شرح بزرگش از این شرح استفاده برده و پس از اطلاع، سید علی‌خان به او اعتراض نموده است، مولی محمدحسین دیگر بار از شرح سید علی‌خان بهره برده و در بسیاری از موارد دیدگاه سید علی‌خان را رد نموده است، از همین روی سید علی‌خان در خاتمه کتاب ریاض السالکین به او اعتراض نموده است.

نسخ متعددی از این شرح وجود دارد، شرح مزبور آکنده از مباحث مختلف ادبی، قرآنی، فقهی، کلامی و تاریخی است، به گونه‌ای که می‌توان از آن به‌عنوان دائرةالمعارف ارزشمند اسلامی تعبیر نمود. سید علی‌خان در مقدمه، ضمن معرفی کتاب «صحیفه‌ی سجادیه» و ارزش و مقام آن، مختصری از شروح صحیفه از جمله شرح شیخ بهایی را بررسی کرده، ضمن بیان نقاط قوت و ضعف آن‌ها، غرض خود را در تألیف کتاب بیان کرده، فراوان از شرح شیخ بهایی یاد نموده است. همین امر موجب آن شده که ارتباط و تأثیر شرح شیخ بهایی بر «ریاض السالکین» مورد توجه محققان قرار گیرد. (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۲۱ - ۱۹).

بر اساس گزارش خان بابا مشار، این کتاب تا سال ۱۳۴۴ چندین بار چاپ سنگی شده است (خان بابا مشار، بی‌تا: ۴۹۹). بعدها با تحقیق و تصحیح در ۷ جلد به طبع رسیده است، فهرست اجمالی مطالب آن

به شرح ذیل هست:

- جلد اول: از آغاز بررسی سند صحیفه تا پایان دعای دوم.
- جلد دوم: از شرح دعای سوم صحیفه تا پایان دعای دوازدهم.
- جلد سوم: از شرح دعای سیزدهم تا پایان دعای بیست و دوم.
- جلد چهارم: از شرح دعای بیست و سوم تا پایان دعای سی و یکم.
- جلد پنجم: از شرح دعای سی و دوم تا پایان دعای چهل و سوم.
- جلد ششم: از شرح دعای چهل و چهارم تا بخشی از دعای چهل و هفتم.
- جلد هفتم: از ادامه‌ی شرح دعای چهل و هفتم تا پایان صحیفه‌ی سجادیه.

از ریاض السالکین تلخیصی با عنوان «زهرة المنتزهین» یا «ازهار الریاض» یا «الأزهار اللطیفه فی شرح مفردات الصحیفه» توسط محمدرضا حسینی اعرجی حلی صورت گرفته که در سال ۱۱۳۶ هجری در مشهد انجام یافته است، آقابزرگ تهرانی نسخه‌ای از آن تلخیص را معرفی کرده و گفته آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذی وقفنا لتلخیص الإیمان و تلخیص العقائد من شوائب الزیاده و شوائب النقصان. حسینی اعرجی در این تلخیص ضمن اشاره به آن که شرح سید علی‌خان بهترین شرح بر صحیفه سجادیه است، گفته لازم است که به این شرح برخی از مفردات و اختلاف نسخ و روایات افزوده شود، همین امر او را به تألیف این کتاب واداشته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱، ۵۳۵ و ۱۲، ۷۵ و ۳۵۱)

تلخیص دیگری از این کتاب توسط سید ابوالفضل حسینی تبریزی در ۳ جلد با عنوان «تلخیص الریاض» یا «تحفه الطالبین» صورت گرفته که در سال ۱۳۸۱ ق. در مطبعه حیدری تهران چاپ شده است. (قرائی و جعفریان، ۱۴۱۲ ق: ۵۰۲ و مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق: ۲، ۳۲۰)

بر کتاب «ریاض السالکین» حاشیه‌ای توسط شیخ جعفر بن محمدباقر شوشتری م ۱۳۳۵ هجری نگاشته شده است. (امین، ۱۴۰۶ ق: ۴، ۱۱۷)

کتاب ریاض السالکین توسط حسین صابری ترجمه فارسی شده و در سال ۱۳۹۶ ش به چاپ رسیده است.

۱۳- الزهره فی النحو: (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۲، ۷۲ و امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸ و اسماعیل پاشا، هدیه، بی‌تا: ۱، ۷۶۳) این کتاب از بین رفته است.

۱۴- سلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل عصر: (ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۶ و حر عاملی، ۱۳۸۵ ق: ۱۷۶/۲)

کتاب و مجموعه ادبی و ارزشمند تاریخی است که سید علی‌خان در سال ۱۰۸۱ هجری در هند تألیف آن را شروع و در ربیع‌الاول سال ۱۰۸۲ ق آن را به پایان رسانده است، وی در این کتاب ضمن بیان بیوگرافی و اخبار دانشمندان شیعه و اهل تسنن معاصر خودش و همچنین برخی از افرادی که به عصر

وی نزدیک بودند، برخی از اقوال و تألیفات و اشعار ایشان را مورد اشاره قرار داده است، از همین روی بارها مورد و استفاده دانشمندان قرار گرفته و در آثار ایشان به آن استناد شده است. این کتاب در سال ۱۳۲۸ ق در مصر و در سال ۱۳۸۷ هجری در ایران به چاپ رسیده است. سید علی‌خان مباحث ذیل را در این کتاب مطرح نموده است:

الأول: محاسن أهل الحرمين.

الثانی: محاسن أهل الشام و مصر.

الثالث: محاسن أهل اليمن.

الرابع: محاسن أهل ایران و العراق و البحرين.

الخامس: محاسن أهل المغرب.

از این کتاب با عنوان «تاریخ علماء العصر» نیز تعبیر شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲، ۲۶۷ و کنتوری، ۱۴۰۹ ق: ۹۴) همچنین برخی از صاحبان تراجم از این کتاب با عنوان «رجال السيد صدر الدين المدني» یاد نموده‌اند. (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۱۰، ۱۲۱)

کتاب «یتیمه الدهر» از سید محمدعلی موسوی عاملی کاظمی م ۱۲۹۰ هجری شبیه کتاب «سلافة العصر» سید علی‌خان است، زیرا وی در این کتاب بیوگرافی دانشمندان معاصر خودش و خویشاوندان خودش و دیگران را بیان نموده است. (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۱۰/۱۲۲ و ۱۲/۲۱۳) این امر به‌نوعی تأثیرگذاری سید علی‌خان در دانشمندان پس از خودش را نتیجه می‌دهد.

سید علی‌خان در این کتاب از شیخ بهایی با عنوان «علامة البشر و مجد الامة علی رأس القرن الحادی عشر» تعریف و تمجید کرده (عاملی، ۱۴۰ ق: ۱، ۲۵) و از غیاث‌الدین دشتکی به‌عنوان جد خویش تعبیر نموده است. (حر عاملی، ۱۳۸۵ ق: ۲، ۹) همچنین از پدرش نظام‌الدین احمد سخن گفته و او را زیاد ستایش نموده است. (حر عاملی، ۱۳۸۵ ق: ۲، ۲۷)

بر این کتاب ذیل‌ها و تکمله‌های زیادی نگاشته شده که مؤلفین آن‌ها به‌نوعی شرح‌حال برخی از دانشمندان را به آن افزوده‌اند، از جمله آن‌ها می‌توان به «نشوة السلافة و محل الاضافة» از شیخ محمدعلی بن شیخ بشارة آل موصی النجفی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲ جلد ۹، ۶۸۸ و ۲۴، ۱۶۱ و زرکلی، بی‌تا: ۶، ۲۹۶) و «تذیل سلافة العصر» از علی بن محمد حسینی نجفی ملقب به حکیم از شاگردان صاحب جواهر (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۱۰، ۱۲۷) و «تذیل سلافة العصر» از سید عبد الله بن سید نور الدین موسوی جزایری شوشتری م ۱۱۷۳ هجری (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۲، ۹، ۸۴۲ و کحاله، بی‌تا: ۶، ۱۶۰) اشاره نمود، خود سید علی‌خان نیز ذیلی با عنوان «ملحقات السلافة المشحونة بكل ادب و ظرافة» بر این کتاب نگاشته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲، ۲۰۰) محسن امین اشاره نموده که در سال ۱۳۵۲ هجری در شهر قم نسخه‌ای از ذیل سید

علی‌خان را دیده است. (امین، ۱۴۰۶ ق: ۱۰، ۲۳، ۸ و ۳۱۴)

۱۵- سلوة الغریب و اسوة الادیب: (آقابزرگ، ۱۴۰۲ ق: ۱۰، ۱۶۷ و ۱۲، ۲۲۴ و حسینی، ۱۴۲۲ ق: ۲، ۳۸ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۰)

این کتاب که با عنوان «رحله ابن معصوم» نیز معروف است، سفرنامه سید علی‌خان از مکه به حیدرآباد در سال ۱۰۶۶ هجری است، سفر یادشده بیست ماه طول کشیده و تألیف این سفرنامه در روز جمعه جمادی‌الثانی سال ۱۰۷۵ هجری به انجام رسیده و نشان‌دهنده آن است که مؤلف از زمان نوجوانی به تألیف علاقه‌مند بوده است، سید علی‌خان در این کتاب - که یک منبع ادبی نیز بشمار می‌رود - شهرها، روستاها، ساکنین در آن‌ها، خوابگاه شتران، آب، هوا، کوه‌ها، درختان، میوه‌ها، حیوانات، مساجد و آرامگاه‌های دانشمندان را توصیف نموده و شرح‌حال برخی از دانشمندان را بیان داشته است. همچنین دریاها و جانداران دریایی و سنگ‌های ارزشمند و شگفتی‌ها را توصیف کرده است.

وی همچنین در این کتاب از غربت و سبب مسافرتش به هند و وضع و حال خودش سخن گفته و نکاتی از زندگی پدر و اجدادش، از جمله زید بن علی بن الحسین^(ع) را بیان داشته است. در این کتاب استدرکات ادبی از نظم و نثر فراوان وجود دارد. مؤلف در پایان سفرنامه، اشعاری از پدرش برگزیده و سپس به شرح‌حال سلطان عبدالله قطب شاه و برخی از رجال و ادبایی که در مجلس پدرش دیده، پرداخته است این کتاب با تصحیح آقای شاکر هادی شکر در عراق به چاپ رسیده است.

۱۶- شرح بر صمدیه شیخ بهایی: (حسینی، ۱۴۲۲ ق: ۲، ۶۲۱ و آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۲، ۳۶۲)

چنانچه گذشت، سید علی‌خان سه شرح بر کتاب صمدیه دارد که دو مورد آن‌ها به چاپ رسیده و یکی از آن‌ها از بین رفته است.

۱۷- شعر غدیر: (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۵۰)

افراد زیادی ماجرای غدیر خم و خلافت علی^(ع) را به شعر کشیده‌اند، علامه امینی برخی از آن‌ها را معرفی نموده‌اند، از جمله این موارد شعری است که سید علی‌خان در هنگام ورودش به نجف اشرف و زیارت قبر امام علی^(ع) در بین گروهی از حجاج خانه آن را خوانده و در آن علی^(ع) را مدح و ثنا گفته است. آغاز آن چنین است: «یا صاح هذا المشهد المقدس قرت به الاعین و الانفس»

۱۸- الطراز فی اللغة: (بحر العلوم، ۱۳۶۲ ش: ۳، ۳۴۵ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸ و ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۶)

کتاب بزرگی در زمینه لغت و بهترین آن در این باره است، مطالب این کتاب بر اساس حروف الفبایی ترتیب یافته‌اند، مؤلف ابتدا از معانی لغوی و سپس الفاظ قرآن و تفسیر آن‌ها سخن گفته و آنگاه وجود آن الفاظ

را در احادیث مورد اشاره قرار داده و آن‌ها را تفسیر نموده است، پس از آن به کاربرد الفاظ یادشده در امثال عربی و تفسیر آن‌ها اشاره نموده است. علامه امینی نسخه‌ای از این کتاب که تا باب صاد را در برداشته، دیده است.

مؤلف در روز فوتش به تألیف این کتاب مشغول بوده به همین دلیل فقط تألیف نصف آن انجام شده است.

۱۹- الکلام المفید للمدرس و المستفید: (حسینی، ۱۴۲۲ ق: ۲، ۶۲۱)

چنانچه گذشت کتاب یادشده، یکی از شروح سه‌گانه سید علی‌خان بر صمدیه شیخ بهایی است که در نجف و ایران به چاپ رسیده است.

۲۰- الکلم الطیب و الغیث الطیب: (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۶، ۸۴ و ۱۸، ۱۲۸ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و امین، ۱۴۰۶ ق: ۸، ۱۵۳)

کتاب یادشده درباره دعاها و حرزهای مأثور از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سخن می‌گوید، این کتاب غیر از شرح ادعیه‌ی صحیفه سجادیه (ریاض السالکین) سید علی‌خان است، گویا به اتمام نرسیده است، صاحب ریاض العلماء درباره‌ی آن گفته است: «إنه لا یخلو من فوائد جلیلة»، (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۱۷). بارها تجدید چاپ شده است.

۲۱- محک القریض: (امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۱۹)

سید علی‌خان در کتاب «انوار الریع» خودش به این کتاب اشاره نموده و گفته: «کتابی خوب و دیوانی که راه برای رسیدن به مقاصد شعری است را املا نمودم آن را «محک القریض» نامیدم و در آن مدح شعری و شعرا را آوردم که برای هر که آن را ببیند و بشنود راضی‌کننده باشد.» (ابن معصوم شیرازی، ۱۹۶۸ م: ۲، ۳۴۸)

۲۲- موضح الرشاد فی شرح الارشاد: (ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۶ و آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲۲، ۲۶۶ و ۱۳، ۸۰ و اسماعیل پاشا، هدیه: ۱، ۷۶۲ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱)

شرح کتاب الارشاد تفتازانی است که درباره نحو می‌باشد، تفتازانی کتاب الارشاد را برای فرزندش در خوارزم در سال ۷۷۸ هجری نگاشته است، افراد زیادی کتاب مزبور را شرح کرده‌اند که از جمله شرح سید علی‌خان است.

۲۳- المخلافة فی المحاضرات: (امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸، ۲۰، ۲۳۲ و امین، ۱۴۰۸ ق: ۷، ۱۹۱ و ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۶)

بر اساس تصریح آقابزرگ تهرانی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲۰، ۲۲ و ۲۳۲) همان کتابی است که به اسم کشکول نیز معروف و مشهور است وی در الذریعه (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۱۸، ۷۵-۷۶) آن را با عنوان

«کشکول» معرفی نموده است، اما بحرانی در اوایل کتاب کشکول خودش از آن به تذکره تعبیر نموده و در آن از این کتاب فراوان نقل مطلب نموده است. خود سید علی‌خان در مواردی از آن به «التذکره» تعبیر نموده است. درعین حال این کتاب قطعاً غیر از کتاب «التذکره فی الفوائد النادره» سید علی‌خان است، زیرا پایان این کتاب تصریح دارد که در ربیع‌الاول سال ۱۱۰۹ هجری انجام یافته است، درحالی که در پایان کتاب «التذکره» تصریح شده که در ذی‌حجه پایان سال ۱۱۰۴ هجری انجام یافته است.

۲۴-ملحقات السلافة المشحونة بكل ادب و ظرافة: (آقازرگ تهرانی، ۱۴۰۲ ق: ۲۲، ۲۰۰ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸)

چنانچه گذشت یکی از تکمله‌ها و ذیل‌های کتاب «السلافة» خود مؤلف است که توسط وی انجام شده است و محسن امین در سال ۱۳۵۲ هجری در شهر قم نسخه‌ای از ذیل مؤلف را دیده است. (امین، ۱۴۰۶ ق: ۱۰، ۲۳، ۸، ۳۱۴)

۲۵- نعمة الاغان فی عشرة الاخوان: (ابن معصوم شیرازی، ۱۴۱۵ ق: ۱، ۱۸ و ابن معصوم شیرازی، ۱۳۹۷ ق: ۵ و امینی، ۱۳۹۷ ق: ۱۱، ۳۴۸)

قصیده شعری است در بحر رجز که شیخ یوسف بحرانی به‌طور کامل در کتاب کشکول خودش آن را آورده است، این قصیده در سال ۱۱۰۴ هجری به نظم کشیده شده و در هند به چاپ رسیده است. در قسمتی از این قصیده در تعریف راستی و دوستی آمده است:

قالوا الصديق من صدق	فی حبه و ما مذق
و قيل من لم يعطنا	فی قوله انت اننا
و قيل لفظ لا يری	معناه فی هذا الوری
و فسروا الصداقة	بالحب حسب الطاقة

گفته‌اند دوست آن است که در دوستی صادق باشد و ناراستی نکند و گفته‌اند دوست آن است که در گفتارش تو و من نکند و نیز گفته‌اند که واژه‌ای است که معنایش را در این مردم دیده نبینی و آن را به دوستی به‌اندازه توان تفسیر کرده‌اند. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷ ش: ۲، ۱۰۴۷)

نتیجه‌گیری:

از آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱- سید علی‌خان مدنی شیرازی شخصیت علمی در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی بوده، درعین حال تألیفات وی نشان می‌دهند که درزمینه علوم عربی، حدیث و شعر موجب شده که به‌عنوان شاعر و دانشمندی ادبی معروف باشد، از همین روی دانشمندان عرب‌زبان به آثار وی توجه کرده و به تصحیح و تحقیق پیرامون آن‌ها اهتمام نموده‌اند.

۲- زندگی چهارده‌ساله سید علی‌خان در حجاز، اعم از مدینه و مکه و مراوده وی با دانشمندان آن دیار در تسلط وی بر علوم عربی، حدیث و... نقش بسیار داشته است.

۳- آشنایی بر سرزمین‌های اسلامی در طی کوچ وی از حجاز به هندوستان و از آنجا به حجاز و پس از آن عراق و شهرهای ایران در شخصیت علمی وی تأثیرگذار بوده و موجب شده که درزمینه رجال و بیوگرافی مخصوصاً و سایر شاخه‌های علمی کارهای موفقی را ارائه کند، از همین روی کتب وی مورد استناد و توجه فراوان دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.

۴- علی‌رغم آن که سید علی‌خان از دانشمندان عصر عثمانیان سنی مذهب و صفویان شیعه‌مذهب است - که با هم اختلاف داشتند- دانشمندان شیعه و اهل تسنن در این دوره با هم مراوده علمی و فرهنگی داشتند، این امر را از شرکت سید علی در جلسات دانشمندان مکه در مسجدالحرام و... به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت.

۵- دانشمندان شیعه در این زمان در شبه‌قاره هند نقش تأثیرگذار فراوانی داشته‌اند، این امر را به‌خوبی می‌توان از سید علی‌خان و پدرش و نقشی که در این شبه‌قاره ایفا کردند نتیجه گرفت، هرچند که آن دو با سختی‌ها و نامهربانی‌هایی نیز مواجه شدند.

۶- در زمان حضور سید علی‌خان در شبه‌قاره هند، زبان فارسی گسترش داشته و موجب شده که سید علی‌خان علی‌رغم آن که زادگاهش حجاز است، به زبان فارسی آشنا شود.

۷- گرچه سید علی‌خان اثر فقهی ندارد، اما آراء فقهی وی که در لابه‌لای آثارش مشهود است، حائز اهمیت می‌باشد.

۸- در زمان سید علی‌خان، شیراز مهد علم و دانش بوده و دانشمندان این دیار در ترویج علم و دانش نقش ایفا می‌کردند.

۹- نقش حضرت شاه‌چراغ^(ع) در گسترش فرهنگ اسلامی انکارناپذیر است، این امر را می‌توان از عالمانی که نزدیک حرم آن بزرگوار به نشر دانش و فرهنگ اسلامی اقدام نموده‌اند نتیجه گرفت.

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۲ ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء.
- ۳- ابن معصوم شیرازی مدنی=سید علی‌خان (۱۴۱۵ ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، چاپ چهارم. مؤسسه النشر الاسلامی، تحقیق محسن حسینی امینی.

- ۴- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۹۸۸ م)، دیوان، بیروت، تحقیق شاکر هادی شکر
- ۵- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۳۹۷ ق)، الدرجات الرفیعة، قم، منشورات مکتبه بصیرتی
- ۶- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۴۰۸ ق)، سلوة الغریب و اسوة الادیب، تحقیق شاکر هادی شکر، بیروت
- ۷- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۳۰۵ ق)، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة (شرح کبیر)، چاپ سنگی، تبریز.
- ۸- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۹۰۶ م)، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بكل مصر، تهران
- ۹- ابن معصوم شیرازی، علی‌خان (۱۹۶۸ م)، انوار الربیع فی انواع البدیع، نجف، تحقیق شاکر هادی شکر
- ۱۰- اسماعیل پاشا بغدادی (بی‌تا) ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۱۱- اسماعیل پاشا بغدادی (بی‌تا)، هدیة العارفین عن اسامی المؤلفین و آثار المصنفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۱۲- افندی، عبدالله (۱۴۰۱ ق)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، انتشارات خیام
- ۱۳- الیاس سرکیس، یوسف (۱۴۱۰ ق)، معجم المطبوعات العربیة و المعربة، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی
- ۱۴- امین، حسن (۱۴۰۸ ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات
- ۱۵- امین، محسن (۱۴۰۶ ق)، اعیان الشیعة، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات
- ۱۶- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ ق)، الغدیر، چاپ چهارم، بیروت، دار الکتب العربی.
- ۱۷- امینی، محمدهادی (۱۳۸۵ ق)، معجم المطبوعات النجفیة، چاپ اول، نجف اشرف، بی‌نا.
- ۱۸- بحر العلوم، مهدی (۱۳۶۲ ش)، الفوائد الرجالیة، تهران، مکتبه الصادق^(ع)
- ۱۹- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵ ق)، امل الامل، نجف اشرف، مکتبه الاندلس
- ۲۰- حسینی جلالی، سید محمدحسین (۱۴۲۲ ق)، فهرس التراث، قم، انتشارات دقیق ما
- ۲۱- حسینی، احمد (۱۴۱۰ ق)، تلامذة المجلسی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۲۲- حسینی فسایی، حسن (۱۳۶۷ ش)، فارسنامه ناصری، به اهتمام دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۲۳- خوانساری، محمدباقر (بی‌تا)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، بیروت، الدار الاسلامیة
- ۲۴- دشتکی، غیاث‌الدین منصور (بی‌تا)، کشف الحقایق المحمدیة، بی‌جا، نسخه خطی شماره ۲۶۰۵۱ مجلس شورای اسلامی
- ۲۵- زرکلی، خیر الدین (بی‌تا)، الاعلام قاموس تراجم، چاپ پنجم، بیروت، دار الملایین.
- ۲۶- شوکانی، محمد بن علی (بی‌تا)، البدر الطالع، بیروت، دار المعرفه
- ۲۷- عاملی، محمد (۱۴۱۰ ق)، مدارک الاحکام، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۲۸- عبد الجبار عبد الرحمن (۱۹۸۱ م)، ذخائر التراث العربی الاسلامی، بصره
- ۲۹- قرائی، سید علی و جعفریان، رسول (۱۴۱۲ ق)، کتابخانه ابن طاوس، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی
- ۳۰- قمی، عباس (بی‌تا)، الکنی و الالقاب، بی‌جا

- ۳۱- قمی، عباس (۱۳۶۳ ش)، سفینه‌ی البحار، تهران، نشر سنایی
- ۳۲- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۵ ق)، اصل الشیعه و اصولها، چاپ اول، بی‌جا، مؤسسه‌ی الامام علی
- ۳۳- کاکایی، قاسم (۱۳۷۵ ش)، «آشنایی با مکتب شیراز ۳ غیاث‌الدین دشتکی»، فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۵ و ۶، ص ۸۳-۹۰
- ۳۴- کحاله، عمر رضا (بی‌تا)، معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۳۵- کنتوری نیشابوری، اعجاز حسین (۱۴۰۹ ق)، کشف الحجب و الاستار، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه‌ی الوفا
- ۳۷- مجمع فکر الاسلامی (۱۴۲۰ ق)، موسوعه مؤلفی الامامیه، چاپ اول، مجمع فکر الاسلامی.
- ۳۸- محیی، محمد امین (۱۳۸۴ ق)، خلاصه‌ی الاثر، قاهره
- ۳۹- مدرس، محمدعلی (۱۳۶۹ ش)، ریحانه‌ی الادب، تهران، انتشارات خیام
- ۴۰- مشار، خان بابا (۱۳۴۴ ق)، فهرست کتاب‌های چاپی عربی، تهران
- ۴۱- موسوی، عباس بن علی (۱۹۴۸ م)، نزهه‌ی الجلیس و منیه‌ی الادیب النفیس، دمشق

Archive of SID